روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۰ • ۱۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ • ۲۶ جولای ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۵۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۴
اذان صبح فردا ۴:۳۰ • طلوع آفتاب ۶:۰۸

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

زاینده‌رود مجددا رو به خشکی می‌رود و مردم آخرین عکس‌های یادگاری خود را از این لحظات به ثبت می‌رسانند. عکس: خدیجه نادری، مهر

زیر آسمان جهان

دوگانگی فرهنگی در ترکیه

فریدون مجلسی

هانتینگتون استادی بوروکرات بود که مشاغلش در سمت‌های مشاور شورای امنیت ملی و وزارت امور خارجه آمریکا، به نظرات ظاهرا آکادمیک او درباره برخورد تمدن‌ها بیشتر رنگ سیاسی و حتی امنیتی می‌دهد؛ اما آمارتیا سن، برنده جایزه نوبل به دلیل نظریه‌اش در باب «اقتصاد انسانی» و استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد، در انتقاد از ادعای هانتینگتون در خصوص برخورد تمدن‌ها در کتاب «هویت و خشونت» معتقد است دوگانگی‌های کلی در دیدگاه‌های اجتماعی که به نظر هانتینگتون جوامع را بر مبنای اعتقادات فراگیر مذهبی به مسیحی، مسلمان، هندو، کنفسیوسی و حتی مسیحی ارتدوکس و جدال میان آنها تقسیم می‌کند، در واقع دارای لایه‌های متکثری است که کم‌وبیش درون همه جوامع نیز وجود دارد. تجلی حیرت‌آور و این دوگانگی توده‌های عوام در مقابل جامعه فرهنگ‌مدار که حتی در آمریکای ترامپ نیز شاهد آن بوده‌ایم، در واقع ناشی از اختلاف سطح و تفاوت شیوه‌های زندگی میان عامه با گروه نخبگان و فرهیختگانی است که معمولا نزدیک به دایره حاکمیت جوامع هستند؛ گرچه ممکن است میان آنها رقابت‌ها و اختلاف‌های سیاسی و اقتصادی وجود داشته باشد. هرچه شکاف و فاصله فرهنگی درونی جوامع بیشتر و عمیق‌تر باشد، آثار دوگانگی شدیدتر و بحران‌آفرین‌تر است. در جهان سوم که توسعه فرهنگی خود را دیرتر آغاز کرده‌اند، این دوگانگی در مراحل گذار به‌خصوص میان جوامع مدنی و جوامع فرهنگی مدنی شدیدتر هم می‌شود. دلیل آن صرفا بالاتررفتن سطح فرهنگی قشر بهره‌مندتر شهری نیست، بلکه بالاآمدن نسبی سطح فرهنگی اقشاری است که به تفاوت‌های خود با گروه‌های فرهنگی ممتاز پی می‌برند و معترض‌اند و و مطالباتی دارند که موجب می‌شود نسبت به تفاوت‌های منش و شیوه زندگی گروه‌های متعلق به فرهنگ پیرامون دایره حاکمیت احساس خشم کنند؛ درحالی‌که با احساسی متضاد از عشق و نفرت، خواهان بهره‌مندشدن از شیوه‌های زندگی آنان هستند. این مرحله را می‌توان گذار احتمالا خشونت‌آمیز از زندگی فرودستانه رعیتی برای پیوستن به فرهنگ و حقوق شهروندی دانست. همان‌طور که در مورد اندونزی، مصر و پاکستان نوع دوگانگی اجتماعی فرق دارد، در مورد ترکیه که در اینجا به آن می‌پردازیم نیز ضمن آنکه آن دوگانگی کلی وجود دارد، اما جامعه ترکیه ویژگی‌هایی دارد که در برخی جنبه‌ها موجب تشدید و در برخی جنبه‌ها موجب تخفیف شکاف فرهنگی می‌شود. مثلا با اینکه در ترکیه طوایف کُرد، علوی، آذری، ارمنی و آسوری وجود دارند که نگاه فرهنگ اجتماعی مسلط ترک به آنها تبعیض‌آمیز است، اما فقدان فرهنگ قبایلی نظیر کشورهای عرب و بالاتربودن سطح فرهنگی روستاییان بر اثر استمرار سیاست‌های اصلاحات و تجدد به‌اصطلاح آمرانه آتاتورکی، تا حدودی از اختلاف سطح فرهنگی کاسته است؛ بااین‌حال، در عمق اختلاف آن‌قدر هست که با وجود اصلاحات اقتصادی تورکوت اوزال و بهره‌مندی از سودهای بازرگانی و دلالی دوران جنگ ایران و عراق و سال‌های بعدی تحریم اقتصادی ایران که ترکیه را از جامعه‌ای فقیر و نیازمند به قدرتی صنعتی و پوینده بدل کرد، بازهم به کشمکش نسلی میان فرهنگ سنتی و عامه مسلط بر جامعه، با محوریت تک‌وارگی نسبی فرهنگی عوام مواجه بوده است. تک‌وارگی فرهنگی در استدلال آمارتیا سن شرایطی از دوران گذار است که در آن توسعه فرهنگی عامه صرفا در جاذبه یک محور فرهنگی قرار دارد که معمولا مذهب و گاه تعصبات ناسیونالیستی تحریک‌شده است. آتاتورک با پیگیری اصلاحات غرب‌گرایانه بر پایه ناسیونالیسم ترکی، در جامعه‌ای متکثر که در آن کُردها، علویان، آسوریان، ارامنه، یونانی‌ها و عرب‌های اناتکیه و آرناووت‌های آلبانیایی و چرکس‌ها و آذری‌های قارص خودشان را صاحبخانه و ترکان را مهاجمان کمتر از هزارساله می‌دانستند، توانست وحدتی را در پناه حامیان متعلق به فرهنگ عامه شکل دهد. در مرحله بعدی، توسعه فرهنگی داخلی بازمانده از آتاتورک و نیز توسعه وارداتی از سوی فقیرترین طبقاتی انجام شد که برای خدمات کارگری به آلمان رفته بودند و به تکثر فرهنگ مدنی کمک کرد. این تحول موجب درک بیشتر عامه از احساس تفاوت فرهنگ غرب‌گرایانه غالب شهری نسبت به شیوه‌های زندگی سنتی خودشان شد. توسعه اقتصادی و صنعتی تورگوت اوزال، نخست‌وزیر فقید نیز موجب مهاجرت‌های میلیونی روستاییان جویای کار به مراکز صنعتی و شهرهای بزرگ شد. جهان‌بینی اینان نیز مانند همگنان مصری، منحصر با آموزه‌های مذهبی در سطح روستایی بود. تمرکز آنان در میان جمعیت گسترده روستایی- شهری استانبول موجب پیروزی کاندیداهای حزب اسلام‌گرا در شهرداری استانبول شد. نجم‌الدین اربکان اسلام‌گرا در اواخر دهه ۱۹۹۰ به نخست‌وزیری رسید، اما با توجه به سلطه نظامیان سکولار پس از مدتی بازداشت و زندانی شد. اما اسلام‌گرایان که بعدا حزب عدالت و توسعه را تشکیل دادند، در اداره شهرداری استانبول و شهرهای دیگری که در قالب سنت دموکراتیک یکی پس از دیگری اداره آنها را در اختیار می‌گرفتند، امتحان خوبی پس دادند. موفقیت‌های اردوغان که در سال ۱۹۹۴ شهردار استانبول شد، بر محبوبیت حزب عدالت و توسعه افزود و توانست با جلب اکثریت طبیعی آرا، نخست‌وزیر ترکیه شود. البته تأثیرگذاری توسعه مدنی و سکولاریسم در ترکیه به سطحی رسیده بود که اردوغان نمی‌توانست به‌سادگی احکام شریعت را جایگزین قوانین مدون ترکیه کند؛ بااین‌حال، فسادپذیری مقاماتی که به سطوح پایین‌تر فرهنگی تعلق داشتند و طولانی‌شدن زمان حاکمیت فردی اردوغان و همچنین توسعه اقتصادی که نهضت خودش در آن نقش بسیاری داشت، موجب شد نسل‌های جدید شهری بیشتر به توسعه مدنی بیندیشند. زمانی که آزادی‌های نسبی موجب شد کردها و علوی‌ها بتوانند به ۱۰ درصد آرای لازم برای حضور در پارلمان دست یابند و اردوغان دریافت که دیگر از محبوبیت لازم برای دستیابی به آرای طبیعی برخوردار نیست، دست به تغییرات قانون اساسی زد که به حاکمیت خودش رنگ مادام‌العمر بدهد. از آن پس بود که برخی از رهبران پیشرو حزب عدالت و توسعه در مقابل تمایلات انحصارطلبانه اردوغان مقاومت کردند که به کناره‌گیری عبدالله گل، نخست‌وزیر و همراه پیشین اردوغان و سپس استعفا و جدایی احمد داوود اوغلو، نخست‌وزیر دیگر ترکیه منجر شد. اکنون که یک نسل از دوران بازگشت همراه با موفقیت‌های اقتصادی سنت‌گرایان می‌گذرد، به نظر می‌رسد جامعه ترکیه که توسعه مدنی و تجددخواهی آن از صد سال پیش آغاز و پیگیری شده است، با وجود مسائل ناشی از کودتاهای مکرر، اکنون در نسلی باسواد و برخوردار از امکانات دستیابی عمومی به شبکه‌های اجتماعی جهانی زمان آن رسیده است که ترکیه بیش از پیش به اصلاحات دموکراتیک مورد مطالبه و در شأن نسل جدید برخوردار از تکثر فرهنگی روی آورد که کمتر از همیشه درگیر تک‌وارگی فرهنگی و مسائل دوگانی اجتماعی است و برای طوایف و گروه‌های متکثر جامعه ترکیه نیز احترام و برخورداری مساوی از حقوق شهروندی قائل شود. درک مقتضیات زمان حتی برای موفق‌ترین سیاست‌مداران نیز بسیار اهمیت دارد تا بتوانند حرمت پیشینه خود را حفظ کنند.

تحلیل

راه‌حل‌های اشتباه برای خوزستان

صالح نیکبخت

در دنیای امروز هیچ کشوری نمی‌تواند به تمام معنا و کامل مستقل و بدون روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی با کشورهای جهان باشد. حکومت‌های قوی و دولت‌هایی که در هر کشوری بر سر کار می‌آیند، باید دو وجه شاهد یعنی مشروعیت داخلی و مقبولیت بین‌المللی داشته باشند. در دنیای کنونی رعایت موازین بین‌المللی شرط اصلی برقراری روابط اقتصادی و سیاسی است. چنین حکومت‌هایی برای اینکه این دو وجه را داشته باشند، باید تمام تلاش خود را برای ایجاد توسعه پایدار به‌عنوان پارادایم جدید که گفتمان مسلم تمام کشورهای و مردم جهان است ایجاد کنند و برای رسیدن به این توسعه پایدار تمامی تلاش خود را به عمل آورند. این امر نیز ممکن نیست مگر اینکه روابط دولت با ملت حداقل در سطح اتحاد و انتقاد باشد. مبنای اتحاد و انتقاد دولت‌ها با ملت خویش نیز باید بر اساس تحمل انتقادهای مردم و پاسخ‌گویی به خواست‌های آنان باشد. در چنین وضعیتی دولت‌ها نمی‌توانند پاسخ هر انتقادی را با زور بدهند. به همین جهت وقتی به حوادث دو دهه گذشته در کشور ما نگاه می‌کنیم، ملاحظه می‌شود صرف‌نظر از اینکه معمولا دو دولت در کشور وجود دارد، یک دولت به‌معنای متعارف آن دولتی است که از مجلس رأی اعتماد گرفته و دولتی دیگر آن است که در سایه اقدامات خویش را انجام داده و در بسیاری از موارد به نظر و رأی دولت‌هایی که از مجلس رأی اعتماد گرفته‌اند، عمل نمی‌کنند. در این راستا چنان‌که می‌دانیم در کشور ما مانند هر کشور دیگر در موارد مختلف مردم به اقداماتی که صورت‌گرفته یا با انتخاباتی که انجام‌شده یا به تصمیماتی که زندگی اقتصادی و حیات اجتماعی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، انتقاد کرده‌اند. متأسفانه در این‌گونه موارد رویه‌ای در پیش گرفته شده که پسندیده نیست. نمی‌خواهیم خیلی دور برویم، در مسائل بین‌المللی نیز در کشور ما افراد و عوامل دولت در سایه در سال‌های گذشته اقداماتی انجام دادند و حملاتی به سفارتخانه، کنسولگری و مراکز سیاسی و اقتصادی کشورهای دیگر کرده‌اند که در دنیای امروز ما نتوانسته‌ایم روابط کامله‌الودادی با کشورهای دنیا برقرار کنیم. به همین جهت دولت ما در طول دو دهه گذشته با مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوانی مواجه شده و همان‌طورکه در بالا گفتم، در پاسخ به اعتراضات مردم که حق طبیعی آنان است، به‌عنوان اولین اقدام به سراغ حضور نیروهای انتظامی در خیابان‌ها و در مقابل اعتراضات مردم می‌رود. امروز هم که همین وضعیت در کشور ما استمرار دارد و از نظر اجتماعی مردم ناگزیرند بسیاری از تنگناها را که دولت‌ها بر اثر بی‌تدبیری در اتخاذ سیاست‌های روشن به مردم تحمیل کرده‌اند، نپذیرند. اما مشکل اینجاست که دولت در دنیای امروز از بعضی از مسائل مانند تأمین حداقل رفاه اجتماعی عاجز است و در این میان مسئله واکسیناسیون مردم به خاطر شیوع کرونا، کمبود آب و برق و نیز دسترسی مردم به بسیاری از نیازهای آنان است. در اینجا سه مسئله مهم از اساسی‌ترین موضوعاتی است که به سلامت مردم و جان و مال آنان مربوط است. درمورد واکسیناسیون و مقابله با بیماری کووید۱۹ از همان آغاز، دولت به مردم با راستی و درستی برخورد نکرده و از افشای شیوع این بیماری در کشور و عوامل آن دوری کرده و مردم را از این فاجعه بی‌خبر گذاشته است. بعد از اینکه مسائلی که بهانه عدم انتشار آن بود، مرتفع شد و بیماری در سرتاسر کشور گسترش یافت، از اعلام آمار واقعی هم خودداری کردند. به همین جهت در مقابل آمارها و اقداماتی که دولت در این زمینه انجام می‌دهد و غالب اظهارات سخنگویان دولت در مسئله شیوع این بیماری با تعریف و تمجید و ثناگویی همراه است و از بیان واقعیات خودداری می‌شود، مردم چنین اعتقادی ندارند و از طرف دیگر خرید واکسن و ممنوعیت واردات آن از کشورهای خاص باعث شده هم‌اکنون در کشور ما با خوش‌بین‌ترین آمار کمتر از ۱۰ درصد مردم واکسینه شده‌اند. این امر باعث شده مردمی که از شیوع بیماری در هول و هراس هستند، راه رفتن به کشورهای همسایه را در پیش گرفته و اجتماع آنان در مرزهای ارمنستان این معنا را ایفاد می‌کند که بخشی از مردم ایران به اظهارات دولتی باور ندارند و حرف بیگانه را بیشتر می‌پذیرند. اگر از واکسیناسیون مردم و اهمالی که در این مورد شده است و بی‌توجهی به سلامت و بهداشت مردم بگذریم، باید سراغ دیگر دغدغه‌های این روزهای مردم ایران برویم. کمبود آب و برق که در تابستان ۱۴۰۰ بسیاری از ایرانی‌ها را آزار داده است. در ایران بعد از انقلاب با سدسازی‌های مختلف، انتقال آب از سرشاخه رودها و اقدامات دیگر به زعم مدیران تلاش می‌شده تا توسعه‌ای در کشور رخ دهد. اما حالا با وضعیت نگران‌کننده خوزستان معلوم شده که همه این سیاست‌های به‌ظاهر توسعه‌ای موجب ایجاد مشکلاتی در تأمین آب و برق برای مردم ایران شده است. امروز که اعتراضات مردم خوزستان از یک هفته هم گذشته به نظر می‌رسد اشتباهات گذشته درحال تکرارشدن است. تشدید این اقدامات می‌تواند مردم را به سمت موارد اشاره‌شده در ابتدای یادداشت سوق بدهد. کاهش تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات و آمار بالای آرای باطله در انتخابات اخیر نشانه‌ای از این ماجراست.

روزها

نفت و کانال، سرمایه مشرق‌زمین

حسین روحانی‌صدر
کارشناس سازمان اسناد

یکی از حوادث ویژه و منحصربه‌فرد نخستین سال‌های نیمه دوم سده بیستم، اعلام کانل سوئز به‌عنوان سرمایه‌ای ملی برای مردم مصر در چهارم مرداد ۱۳۳۵ از سوی جمال عبدالناصر، مرد قدرتمند آن روزگار خاورمیانه است که مصادف بود با هزارو ۹۲ روز پس از فروپاشی دولت ملی دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیری که ملی‌شدن نفت ایران را اعلام کرد. این رویدادها حکایت از یک سلسله نواندیشی و دگراندیشی در مشرق‌زمینی داشت که گهواره تمدن بشری در آن ریشه داشته و دارد؛ چراکه دو تمدن ایران و مصر همواره با ذخایر فرهنگی مشترک خود، تأثیری انکارنشدنی در معادله‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منطقه تحت نفوذشان داشته‌اند. با آنکه در قرون پس از فروپاشی خلافت شرقی اسلامی و روی کارآمدن دو امپراتوری عثمانی و صفوی در این مناطق، هیچ‌گاه پل‌های ارتباطی میان این دو برچیده نشد، همواره مصر خود را مشخصه فرهنگ عربی- اسلامی از نیل تا فرات (از شمال آفریقا تا بین‌النهرین) و ایران کنونی نیز خود را مظهر فرهنگ ماوراءالنهر (آسیای میانه) تا بین‌النهرین دانسته و این نظام‌های فرهنگی مدیریت‌نشده با همه فراز و فرودهایش همواره به نتایج نزدیک به هم در پهنه‌های متنوع از جغرافیای سیاسی تا تحولات و جنبش‌های مدنی مبتلا بوده‌اند. دو جنگ جهانی و تغییر جغرافیای سیاسی مشرق‌زمین، زمینه نزدیکی و تعامل اندیشمندان این سرزمین‌ها را در محافل آکادمیک و حماسی فراهم آورد. جنبش ملی‌شدن صنعت نفت در ایران، مظهر مخالفت با گفتمان یک‌جانبه سرمایه‌داری معرفی شد و پیروزی دکتر محمد مصدق در دادگاه لاهه که انگلیسی‌ها از ایران شکایت کردند، زمینه تقویت روحی جریان‌های فکری ضداستعماری به‌جامانده از نسل‌های قبل مردم منطقه را تقویت کرد. با آنکه مردم ایران هیچ نفعی از این حرکت عایدشان نشد، اما الگوی مؤثری برای حرکت‌های مشابه در منطقه قرار گرفت از آن‌جمله بسیاری از اندیشمندان تاریخ سیاسی و فرهنگی، حرکت ناصر با پشتوانه‌های مردمی در دراختیارگرفتن کانال استراتژیک و منحصربه‌فرد شرق و غرب را یکی از دستاوردهای منطقه‌ای الهام‌گرفته‌شده از جنبش ملی مردم ایران می‌دانند. جالب‌تر آنکه در تحولات فکری-منطقه‌ای، اندیشمندان این دو منطقه با افراط‌گری مخالف بوده‌اند و نسبت به حوادث خونین دو دهه اخیر نیز واکنش مشترک داشته‌اند. نفوذ مخرب جریان‌های افراطی، سدی در مقابل این تعاملات شده و اگر اتحاد معنوی این دو ذخیره جوشان منطقه‌ای بار دیگر به واسطه خیراندیشان به هم پیوند بخورد، می‌تواند مرزهای سیاسی را درنوردیده و ابرهای خونبار منطقه‌ای را خنثی کند. تنها راه بازگشت امنیت به جهان اسلام، منوط به مشارکت همه‌جانبه این دو میراث غنی منطقه‌ای خواهد بود.

روایت

کشتی یونانی

سیدشهاب‌الدین طباطبایی

● نیمه‌شب سه‌شنبه چهار مرداد ۱۳۴۵ ساحل جنوب غربی کیش خاموشِ خاموش بود، حتی فانوس دریایی کم‌فروغ یادگار جنگ جهانی دوم هم آن شب کمکی به کشتی غول‌آسای انگلیسی نکرد. شاید هم قرار بود کشتی ۱۲۶متری ساخت بریتانیای کبیر آن شب در ساحل یکی از مهم‌ترین جزایر مرجانی جهان به گل بنشیند تا صاحب یونانی آن حق بیمه کلان «کولاف» نزد بیمه لویدز لندن را تمام‌وکمال بگیرد. یونانی‌بودن آخرین صاحب کشتی اما سبب شد به‌جای آنکه در طول همه این سال‌ها خاطره غروب کیش با کشتی به‌گل‌نشسته انگلیسی همراه شود، اسم کشتی یونانی بر آن ماندگار شود.

۵۵ سال از جوان‌مرگ‌شدن این کشتی ۲۳ساله در حوالی روستای باغوی جزیره کیش می‌گذرد؛ میهمان ناخوانده‌ای که در همه این سال‌ها به خاطر همراهی با غروب زیبای خورشید در جنوب غرب جزیره برای خودش اسم و رسمی به هم زده است.

میهمانی که حالا در آستانه نابودی کامل است، ناخواسته آمده بود و کسی هم نخواست یا نتوانست حفظش کند، واقعا کسی از مدیران و مسئولانی که در طول همه این سال‌ها به کیش آمده‌اند، لحظه‌ای به روزی که این کشتی هم غرق شود فکر کرده‌اند؟ حتما خواهند گفت زیاد فکر کرده‌ایم و نتیجه؟ چه می‌گویم؟ مگر برای جلوگیری از غرق‌شدن ظرفیت‌ها و داشته‌های فراوان خدادادی و نابودی اعتماد و دلگرمی آدم‌هایی که هنوز با وجود همه بی‌مهری‌ها، سنگ‌اندازی‌ها، بی‌تدبیری‌ها و تنگ‌نظری‌ها بازهم پای کار این سرزمین مانده‌اند فکری کرده‌اند؟ حتما خواهند گفت زیاد و نتیجه...؟

این تکه آهن قراضه و زنگ‌زده که روزی برای خودش کشتی آبرومند و بزرگی بوده و اقیانوس‌های زیادی را پیموده و از بخت خوب یا بدش اینجا به پایان خط رسیده، زودتر از آنچه فکرش را بکنید بی‌آنکه جایگزینی برایش داشته باشید، ترک‌مان می‌کند. میهمان ناخواسته‌ای که میزبان خوبی برایش نبودیم، کاری برای حفظش نکردیم، چه می‌گویم، مگر برای خودمان چه کرده‌ایم که بخواهیم برای این غول هفت‌هزارتنی کاری بکنیم؟

بگذریم، بیایید برای اینکه شاید کمی حال این روزهایمان بهتر شود، اندکی تخیل کنیم، فکر محال هم شاید یک روز شدنی شد. فکر کنیم یک نفر از میان مدیرانی که هرروز فقط حرف می‌زنند و حرف می‌زنند و حرف می‌زنند، بیاید بگوید در طول همه این سال‌ها برای یک‌بار هم که شده به آینده فکر کرده بودیم، بگوید اول از همه طبق نظر کارشناسان باور کرده بودیم که کشتی به‌گل‌نشسته بالاخره غرق می‌شود، دوم اینکه از اول مطابق برنامه عملیاتی بدون حضور مدیرانی که زیاد حرف می‌زنند یا حرف زیادی می‌زنند، مشغول تدارک ساخت جایگزینی غافلگیرکننده و جذاب برای همراهی با غروب دل‌انگیز جزیره بودیم، سوم اینکه از ابتدای این کار قسم خوردیم برای اینکه کار به سرانجام برسد، چشمداشتی به بودجه ساخت سازه جدید نداشته باشیم، چهارم تصمیم‌گیرندگان، طراحان، سازندگان و ناظران چون فقط به نتیجه و خوشحالی شما مردم فکر می‌کردند، دعوا و کارشکنی در کار را کنار گذاشتند، پنجم کسی خودش را مطرح نکرد، مصاحبه نکرد و قول نداد تا به وقت آماده‌شدنِ جایگزین اعلامش کنیم تا اگر کار به هر دلیلی خارج از اراده مصمم ما طول کشید، دل‌آزرده نشوید، آخر تکدر خاطر شما برایمان مهم است. آخر نمی‌خواستیم به وقت غروب دل‌های نازک و خسته‌تان بیشتر بگیرد. مهم‌تر از همه اینها می‌خواستیم یادتان بیندازیم که حواسمان به همه‌چیز هست، تا بگوییم شایسته بهترین‌ها هستید و ما مدیران شایسته شما هستیم.

و حالا این شما و این کار تمام‌شده ما... لذت ببرید. قابلی نداشت فقط به وظیفه‌مان که خوشحال‌کردن شماست عمل کردیم. فرض محال که محال نیست، کاش چشم‌هایمان را که باز می‌کنیم، کسی به‌جای آهن قراضه‌های زنگ‌زده رهاشده سورپرایز تروتازه‌ای برایمان داشته باشد.

اتفاق

یورونیوز: ناسا اعلام کرد شرکت «اسپیس‌ایکس» برنده مناقصه مأموریت اکتشافی به یکی از قمرهای سیاره مشتری شده است. پیروزی در مناقصه مأموریت سفر به اروپا، قمر یخ‌زده مشتری، برای ایلان ماسک، بنیان‌گذار «اسپیس‌ایکس» اهمیت زیادی دارد. مبلغ قرارداد مأموریت سفر به یکی از چهار قمر سیاره مشتری، ۱۷۸ میلیون دلار ذکر شده است.

بی‌بی‌سی: سارا جمال اولین داور محجبه المپیک است. این مهندس عمران و بسکتبالیست مصری حالا به یک چهره الهام‌بخش در مصر بدل شده است. شکل بسکتبالی که او در توکیو داوری می‌کند نیز در نوع خود بی‌سابقه است. بسکتبال سه‌نفره یا سه‌به‌سه، در سراسر جهان طرفداران زیادی دارد و اغلب در پارک‌ها و تفرجگاه‌ها با علاقه دنبال می‌شود.

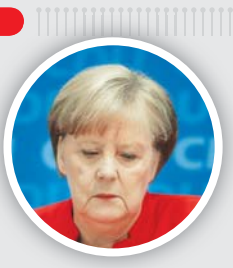

دویچه‌وله: ابتلا به کرونا در آلمان پس از رفع محدودیت‌ها دو برابر شده است. آنگلا مرکل از مردم خواست اطرافیان و همکاران را به تزریق واکسن تشویق کنند. صدراعظم آلمان گفت: «نباید فراموش کرد که واکسیناسیون وسیع‌تر به روند کنترل بیماری، جلوگیری از شلوغی بیمارستان‌ها و کم‌کردن فشار بر سیستم بهداشتی کمک می‌کند».

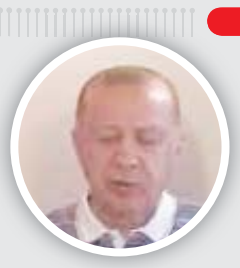

اسپوتنیک: چرت‌زدن اردوغان حین پیام ویدئویی زنده به مناسبت عید قربان برای اعضای حزب حاکم این کشور جریان‌ساز شد. در این پیام ویدئویی که به‌سرعت در توییتر منتشر شد، به نظر می‌رسد اردوغان برای چند ثانیه و پیش از آنکه به اعضای حزب عید را تبریک بگوید، صحبتش را متوقف می‌کند و چشم‌هایش را می‌بندد.

دیلی‌میل: بررسی لپ‌تاپ هانتر بایدن فاش کرده که پدرش جو بایدن در زمان تصدی پست معاون‌اولی با استفاده از اسامی غیرواقعی حساب‌های ایمیل شخصی ساخته و از آنها برای نامه‌نگاری‌های دولتی استفاده کرده است. فاکس‌نیوز نیز گفته که بایدن از اسامی غیرواقعی مختلف شامل Robin Ware, Robert L. Peters و JRB ware استفاده کرده است.

آسوشیتدپرس: پس از بازداشت نوئل ویدائوره، رهبر اپوزیسیون و همچنین خیمی آریاندو، مفسر سیاسی، پلیس نیکاراگوئه هفتمین کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور را تحت حصر خانگی قرار داد. بنابراین تمامی رقبای انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور که در مقابل دانیل اورتگا، رئیس‌جمهوری نیکاراگوئه، رقابت می‌کنند، اکنون بازداشت شده‌اند.